



پیچیدگی نامقبول

کم دانشی آدمیان در برابر شناخت کامل پدیده‌ها، او را در وضعیتی قرار می‌دهد که به ناچار با ابزار احتمال و فرض را پیش‌بینی کند و یا از آن جلوگیری نماید.

هر میزان نسبت به جزئیات و عوامل تشکیل دهنده آن شناخت بیشتری حاصل شود، نتایج آن روشن‌تر و فشرده‌تر پیش‌بینی خواهد بود. تا آنجا که «احتمال» در مقابل «قطعیت»، به مقدار شناخت افزون‌تر، رنگ بازدم مدیریت مخاطرات، در واقع دانش رهبری شناخت‌ها و ناشناخته‌هاست. هیچ‌کشتی را در حیات نمی‌توان یافت که در آن با خطری مواجه نباشد و عالمان مدیریت مخاطرات، مشخص می‌سازند که کدام‌یک از آنها اصلی‌تر است و احتمال وقوع هر یک از آنها چه میزان است.

فرض است که این دانش، عموماً با به‌کارگیری علوم و ابزار ریاضی قابل دستیابی است و با احتساب عوامل مختلف فراوان‌تر، حد وصول به یک نتیجه مقبول را می‌توان بیشتر و بیشتر نمود. در این شکی نیست.

اما مراحل کیفی دیگری هم هست.

یکی از آنها وادی اشراق‌گونه‌ای است که فقط نصیب فرهیختگان وارسته‌ای خواهد شد که با احساس بربر برانگیخته به مدیریت الهامی دست می‌یابند و شگفتی می‌آفرینند...

و دیگری وادی ساده و آرام‌اندیشی است که فقط نصیب مخلوقی می‌شود که هنوز به هنر بیهوده پیچیده‌اندیشی آلود نشده است!

«روزی پادشاهی ظالم تنها از شهر بیرون رفت. شخصی را زیر درخت نشسته دید. پرسید: شاه این ملک چگونه است. ظالم با عادل؟ گفت: ظالم است. پادشاه گفت: مرا می‌شناسی؟ گفت: نه. پادشاه گفت: منم سلطان این ملک! آن مرد ترسید و پرسید: مرا می‌دانی؟ پادشاه گفت: نه. گفت: پسر فلان فلاحتگر، هر ماه سه روز دیوانه می‌شوم. امروز یکی از آن سه روز است. پادشاه خندید و او را هیچ نگفت»

بهمن شبیرزاد



آشنایی با ما
ما هم اکنون در
مخاطرات هستی
اولیه مورد توجه
شرکت، نحوه
صورت انفعالی